

کاش بر کس ستاره امانم

۷۸۶

دیدت دیدت دیدت
چه دیداری!

نوجوانی من به باد آمد

از بس کرده دور یا ؟

مکتبی با نوازی ستاره آمد

در دل شکم آسمانه گرفت

آتش خفته ام زبانه گرفت

خنده در گریه ام به هم آمیخت

روزگار دور رفت

گفت مادران و بر من داشت

ساده کودکی به رقص آمد

بر چه غم بود که کرد و گنجت

تا چو تنها یوم برگردد بیاید باز -

روزگار از زلفه من و تو

گرچه هرگز زلفه بود از ملا

چو بهار سگفته باز آمد

چه رفتن و در نواز آمد!

کاش دنیا غم در غوغا

فایده از آفت جدائی بود

کاش دوری حد سمنی می خورد

زندگی عشق و آشنائی بود

کاش بر کس ستاره امانم

که پر از ناله درد سنائی بود

زین ضلالت دور فردا ؟

کاش یک لحظه ام را می بود

کاش انسان به جایی عشق طلا

عاشق هستی طلائی بود

و چنین عاشقان فراوانند

که از آنها یکی توئی آری

دیدت دیدت دیدت
چه دیداری!

لندن ۱۹۸۲

زاد

